



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه مقطع دکتری  
رشته زبان و ادبیات فارسی

# فرهنگ آیات و مآثورات عرفانی در شعر فارسی (از آغاز تا جامی)

استاد راهنما:

دکتر حیدر قلیزاده

استاد مشاور:

دکتر رحمان مشتاق مهر

پژوهشگر:

محبوبه عبدالهیی اهر

خرداد ۱۳۸۹

تبریز - ایران

باسپاس از خداوند

این مجموعه را پیشکش می‌کنم به

همسر و همسر زندگیم

که همواره و اندامهربانی‌ها و فداکاری‌های اویم

و به فرزندان عزیز و دلبندم آری و آرش

که مشوق و رفیق راهم بودند.

## فهرست مطالب

.....	چکیده	.....	۵
.....	پیشگفتار	.....	۹
.....	مقدمه	.....	۱
<b>سُورَ قرآنی</b>			
.....	۱. فاتحه	.....	۲۸
.....	۲. بقره	.....	۲۹
.....	۳. آل عمران	.....	۵۳
.....	۴. نساء	.....	۶۳
.....	۵. مائده	.....	۶۷
.....	۶. انعام	.....	۷۰
.....	۷. اعراف	.....	۷۵
.....	۸. انفال	.....	۸۸
.....	۹. توبه	.....	۸۹
.....	۱۰. یونس	.....	۹۳
.....	۱۱. هود	.....	۹۴
.....	۱۲. یوسف	.....	۹۷
.....	۱۳. رعد	.....	۱۰۲
.....	۱۴. ابراهیم	.....	۱۰۳
.....	۱۵. حجر	.....	۱۰۶
.....	۱۶. نحل	.....	۱۱۰
.....	۱۷. اسراء	.....	۱۱۲
.....	۱۸. کهف	.....	۱۱۹
.....	۱۹. مریم	.....	۱۲۳
.....	۲۰. طه	.....	۱۲۶
.....	۲۱. انبیاء	.....	۱۳۱
.....	۲۲. حج	.....	۱۳۵
.....	۲۳. مؤمنون	.....	۱۳۵
.....	۲۴. نور	.....	۱۳۶
.....	۲۵. فرقان	.....	۱۳۹
.....	۲۶. شعراء	.....	۱۴۳
.....	۲۷. نمل	.....	۱۴۵
.....	۲۸. قصص	.....	۱۴۶
.....	۲۹. عنکبوت	.....	۱۵۲
.....	۳۰. روم	.....	۱۵۴
.....	۳۱. لقمان	.....	۱۵۵
.....	۳۲. سجده	.....	۱۵۷

١٥٩	.....	٣٣. احزاب
١٦٢	.....	٣٤. سباء
١٦٤	.....	٣٥. فاطر
١٦٧	.....	٣٦. يس
١٦٩	.....	٣٧. صافات
١٧١	.....	٣٨. ص
١٧٥	.....	٣٩. زمر
١٧٩	.....	٤٠. غافر
١٨١	.....	٤٢. فصلت
١٨٣	.....	٤٣. شورا
١٨٥	.....	٤٤. زخرف
١٨٦	.....	٤٥. دخان
١٨٧	.....	٤٦. جاثية
١٨٩	.....	٤٧. فتح
١٩٠	.....	٤٨. ق
١٩٤	.....	٤٩. ذاريات
١٩٦	.....	٥٠. طور
١٩٧	.....	٥١. نجم
٢٠٠	.....	٥٢. قمر
٢٠١	.....	٥٣. الرحمن
٢٠٥	.....	٥٤. واقعه
٢٠٦	.....	٥٥. حديد
٢٠٩	.....	٥٦. مجادله
٢١٠	.....	٥٧. حشر
٢١٢	.....	٥٨. ممتحنه
٢١٢	.....	٥٩. صف
٢١٢	.....	٦٠. تغابن
٢١٢	.....	٦١. طلاق
٢١٢	.....	٦٢. تحريم
٢١٣	.....	٦٣. ملك
٢١٤	.....	٦٤. حاqqه
٢١٤	.....	٦٥. معارج
٢١٤	.....	٦٦. نوح
٢١٥	.....	٦٧. مزمل
٢١٥	.....	٦٨. قيامت
٢١٦	.....	٦٩. انسان
٢١٧	.....	٧٠. نازعات
٢١٨	.....	٧١. تكوير

٢١٩	٧٢. بروج
٢١٩	٧٣. طارق
٢٢٠	٧٤. اعلى
٢٢١	٧٥. فجر
٢٢٢	٧٦. بلد
٢٢٢	٧٧. ليل
٢٢٣	٧٨. ضحى
٢٢٣	٧٩. شرح
٢٢٤	٨٠. تين
٢٢٥	٨١. علق
٢٢٦	٨٢. زلزله
٢٢٦	٨٣. عاديات
٢٢٦	٨٤. تكاثر
٢٢٧	٨٥. كفرون
٢٢٧	٨٦. اخلاص

#### احاديث و اخبار

٢٣٠	١. الف
٢٩٣	٢. ب
٢٩٦	٣. ت
٣٠٢	٤. ث
٣٠٢	٥. ج
٣٠٧	٦. ح
٣١٢	٧. خ
٣١٦	٨. د
٣٢٥	٩. ذ
٣٢٦	١٠. ر
٣٣٠	١١. ز
٣٣٢	١٢. س
٣٣٧	١٣. ش
٣٤٠	١٤. ص
٣٤٢	١٥. ض
٣٤٢	١٦. ط
٣٤٦	١٧. ظ
٣٤٦	١٨. ع
٣٥٦	١٩. غ
٣٥٦	٢٠. ف
٣٦١	٢١. ق
٣٦٨	٢٢. ك

۳۷۹.....	ل.۲۳
۴۰۳.....	م.۲۴
۴۳۵.....	ن.۲۵
۴۳۸.....	و.۲۶
۴۴۰.....	ه.۲۷
۴۴۱.....	ی.۲۸
۴۵۰.....	نتیجه گیری
۴۵۲.....	فهرست آیات
۴۷۰.....	فهرست احادیث
۴۹۰.....	فهرست منابع و مآخذ

## چکیده

چیرگی نور اسلام، بر جهان ظلمانی و رواج تعلیمات معارف الهی آن، سبب شد تا مسلمانان متفکر و طالبان حقیقت و کمال انسانی، با اندیشیدن در باب توحید، معرفت حق و راههای وصول به حقیقت و غایت وجود، و با یاری جستن از قرآن کریم و احادیث، یک مکتب فکری، و علمی به نام عرفان به وجود آورند که بعدها بخش عمده‌ای از هویت ملی ما محسوب گردید.

با توجه به اینکه ادبیات فارسی در زمینه فرهنگ اسلامی تکوین یافته، از این رو عمیقاً با مفاهیم و معانی اسلامی و عرفانی درهم آمیخته است. این آمیزش و پیوند در آغاز شعر فارسی، سطحی و کم رنگ بود ولی با تکامل اندیشه‌های عرفانی به تدریج عمق و گسترش بیشتری یافت و سبب شکوفایی و غنای ادب فارسی گردید.

از آنجا که اشعار عرفانی، بیشترین بهره را از الفاظ و مفاهیم قرآنی و مأثوراتی برده اند، لذا فهم و درک دقیق معانی آنها مستلزم آشنایی با آیات و احادیث و نحوه استفاده شاعران از آن متون دینی است. به این سبب به گمان نگارنده، استخراج آیات و احادیث و مأثورات عرفانی و آوردن نمونه‌های شعری مرتبط با آنها، علل و عوامل نفوذ و جاذبیت شعر عرفانی را افزونتر آشکار خواهد ساخت و نشان خواهد داد که عرفانی بودن آنها صرفاً از طریق کاربرد آن مفاهیم ممکن گردیده است.

آغاز جلوه آن تأثرات در شعر به صورت جدی از سنایی، شاعر قرن ششم، شروع و در فاصله زمانی تا جامی از طریق اشعار سخنورانی چون نظامی، عطار، مولوی، حافظ به اوج خود رسیده است، از این رو برای کشف رمز و راز مضامین باریک عرفانی در متون ادبی و نشان دادن میزان تأثیر شعرای عارف و متصوف از لطایف آیات و مأثورات که سبب تابناکی اندیشه‌های ایشان گشته، از پژوهش در این زمینه بی نیاز نیستیم.

این رساله به منظور دستیابی به چنین مقصودی فراهم آمده و در آن، پس از مطالعه مجموعه‌ها و دیوان‌های شعری از سنایی تا جامی و بررسی نحوه بهره‌گیری سرایندهگان این آثار از آیات، احادیث و اخبار عرفانی که از قرن ششم تا نهم در شعر فارسی مورد استفاده شاعران قرار گرفته، استخراج و طبقه‌بندی گردیده است. بررسی‌ها بیانگر آن است که از همان آغاز نفوذ دین اسلام، ادبیات فارسی با الفاظ و مضامین عرفانی و اسلامی درآمیخته و به مرور با تکامل اندیشه‌های عرفانی عمق و گسترش یافته است.

رسالة حاضر سرانجام در دو فصل تنظیم گردید؛ فصل اول به اشعار ملهم از آیات قرآنی اختصاص یافت و در فصل دوم به آن دسته از اشعاری که از احادیث و مأثورات تأثیر پذیرفته اند، پرداخته شد.

**کلمات کلیدی:** آیات قرآن، حدیث، مأثورات، عرفان، شعر فارسی

## پیشگفتار

به نام آن که جان را فکرت آموخت

لطف و عنایت خداوندی این توفیق را نصیب ساخت تا به واسطه موضوع پیشنهادی استاد بزرگوار جناب آقای مشتاق‌مهر با عنوان «فرهنگ مآثورات در شعر فارسی - از آغاز تا جامی -» (که استاد گرانقدر راهنما جناب آقای دکتر قلیزاده این عنوان را به «فرهنگ آیات و مآثورات عرفانی در شعر فارسی - از آغاز تا جامی -» تغییر دادند) با قرآن و احادیث و همچنین متون منظوم عرفانی که که مضامین آن‌ها بیشترین پیوند را با اندیشه‌های والای انسانی دارد، بیشتر همدم شوم و با سیر در فضای روحانی و معنوی آن‌ها علاوه بر التذاذ خاطر، به آرامشی وصف‌ناشدنی در زندگی نائل شوم که از این بابت منت‌دار و سپاسگزار ایشان هستم.

سعی نگارنده در این نوشته برآن بوده است که از کاربرد آیات و مآثورات عرفانی در متون منظوم مجموعه‌ای فراهم بیند، زیرا ادب فارسی درگذر تاریخ چنان با عرفان و تصوّف درآمیخته که تحلیل و بررسی آن‌ها بدون شناخت اندیشه‌های عرفانی که خود به نوعی متأثر از تعالیم اسلامی است، ناممکن می‌نماید. پس برای نشان دادن میزان تأثیرپذیری شعرای عارف و متصوّف از مضامین عرفانی آیات و مآثورات و نحوه نگرش ایشان به آن مسائل، این مجموعه به صورت فرهنگ



فراهم آمد. با این امید که وسیله‌ای باشد هر چند کوچک برای گره‌گشایی از کار دانش‌پژوهان و ایجاد انگیزه در ایشان برای انجام پژوهش در زمینه ادب عرفانی.

### شیوه کار و تحقیق

شیوه کار قرار بود مطابق با همان روشی باشد که استاد فرزانه جناب آقای دکتر صدری‌نیا در مورد کاربرد مآثورات در متون منثور، در کتاب وزین خویش به انجام رساندند. ولی در عمل تفاوت این کار با آن اثر هویدا گشت. از جمله این تمایزات این بود که در متون منثور، عین احادیث و اقوال [و آیات] در ضمن متون درج می‌گردد که در بسیاری از موارد با نام گوینده آن‌ها همراه است، در حالی که بازتاب این مفاهیم در متون منظوم در وهله اول به جهت محدودیت‌های شعری و دیگر به علت مقاصد مختلفی که سخنور در بهره‌گیری از آن مضامین داشته، به صور گوناگون و در قالب و چارچوب‌های متنوع نمود پیدا می‌کند، که این همه خود دلالت بر درهم آمیختگی این موارد با روح و ذهن اکثر شعرا و تأثرشان از آن مفاهیم دارد.

جستن و یافتن آیه و مأثور مورد استفاده در آثار شاعران قرون مختلف، برای شخص کم‌بضاعتی مثل بنده بسیار دشوار بود. مخصوصاً در مواردی که فقط برگردان آیه و حدیث در شعر ذکر شده بود و یا وقتی تنها مضمون و مفاهیم آن‌ها مورد اشاره قرار گرفته بود. گاه ساعت‌ها وقت صرف می‌شد تا از میان یادداشت‌هایی که برای این منظور از میان آیات و احادیث عرفانی فراهم شده بود، به آیه و حدیث مورد نظر دست یابد.

تفاوت دیگر، افزوده شدن مبحث «آیات» به این مجموعه و مقید شدن هر دو موضوع - آیات و مآثورات - به مباحث «عرفانی» بود که این محدودیت مهم‌ترین وجه تمایز این نوشته با آن اثر و دیگر کتب متعددی بود که در مورد تأثیر و کاربرد آیات و احادیث در ادب فارسی تألیف گردیده بود، چون که مؤلفان آن کتاب‌ها از منظرهای دیگر به کاربرد آیات و احادیث در متون منظوم عرفانی و غیرعرفانی، نظیر: احکام، مسائل اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی، داستان‌های قرآنی و ... نظر داشته‌اند؛ لذا این خصیصه سبب شد تا از پرداختن به متون منظوم غیرعرفانی، صرف‌نظر شود و فقط کتب مهم عرفانی از شعرای فارسی زبان مورد مطالعه قرار گیرد.

در مرحله تدوین پایان‌نامه اگر قرار بود تمام ابیات مستخرج آورده شود، حجم پایان‌نامه در هر بخش از آیات و مآثورات بالغ بر چندین مجلد می‌شد، لذا به جهت رعایت اختصار، مجبور شد در

بیان شواهد شعری به حداقل بسنده کند و شواهد شعری را بیشتر از نوع ترجمه، تلمیح، تفسیر و تأویل و تمثیل برگزیند تا در راستای هدف پایان‌نامه باشد که نشان دادن تأثیر شاعران عارف و متصوّف از آیات و احادیث و باز نمودن آن مفاهیم در شعر از دیدگاه خاص خودشان است، و تا حدّ امکان از بیان شیوه‌های دیگر بهره‌گیری شاعران از آیات و احادیث، نظیر: اقتباس، تضمین، درج، عقد، حل و اشاره اجتناب نموده است.

با عنایت به موارد مذکور، روش تحقیق در این مجموعه را می‌توان چنین بیان کرد. ابتدا تعدادی از کتب مهمّ منظوم عرفانی که در فاصلهٔ زمانی آغاز شعر فارسی تا جامی، سروده شده بود، گزینش و مورد مطالعه و فیش‌برداری قرار گرفت. در بین این آثار، برخی که از مقبولیت بیشتری برخوردار بودند، بیشتر مورد عنایت مصحّحان قرار گرفته و شروح و تعلیقاتی بر آن‌ها نوشته شده بود که اغلب آنان در ضمن توضیحات به الهام‌پذیری و اقتباس ابیات از آیه یا حدیثی نیز اشاره کرده بودند و یا بعضی در آخر کتاب فهرستی از آیات و احادیث مورد استفاده در متن، فراهم آورده بودند که راقم این سطور از میان آن‌ها، آیات و احادیثی را که به نظرش مایهٔ عرفانی داشتند به همراه ابیات مرتبط، با ذکر مشخصات کتاب یادداشت کرد. همچنین در مواردی هم که برای یک اثر، شروح مختلف تألیف گردیده بود تا حدّ امکان از نظر گذرانده و از نسخه‌هایی که در دسترس بود، برگه‌های موردنظر را تهیه کرد، که به هنگام تنظیم، شواهد تکراری کنار گذاشته شد و در موارد غیرتکراری نیز که نشانی ابیات از نسخه‌های متعدّد ثبت شده بود، برای سهولت استفاده، همه به یک نسخهٔ منتخب ارجاع داده شد.

در معدودی از این کتاب‌ها، فهرست آیات و احادیث در یک‌جا ذکر گردیده بود که بعد از تفکیک، مشخصات آیه با مراجعه به کتاب «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم» به صورت کامل ارائه شد. در برخی از این فهرست‌ها نیز که فقط خود آیه، بدون اشاره به هیچ‌یک از مشخصاتش آورده شده بود و یا در مواردی به ذکر یک مورد از آن یعنی شمارهٔ سوره و یا نام آن بسنده شده بود - که در برخی موارد هم اشتباه قید شده بود - با مراجعه به کتاب فوق‌الذکر این نواقص برطرف و نشانی کامل آیه مرقوم گردید.

لازم به ذکر است، با عنایت به این‌که احادیث شیعه و سنی بدون توجّه شعرای این اعصار به صحّت و سقم آن‌ها، برای بیان اندیشه‌های عرفانی در اشعارشان بازتاب پیدا کرده و نیز نظر به تعدّد مآخذ حدیث اهل سنت و شیعه که امکان دسترسی به همهٔ آن‌ها را مشکل می‌نمود، قصد بر آن شد

که برای سهولت کار و تسهیل در امر مراجعه و یک‌دست کردن نشانی مآثورات، دو کتاب «احادیث مثنوی» و «فرهنگ مآثورات» که بیشتر احادیث مهم عرفانی در آن‌ها درج گردیده، مورد استناد قرار گیرند.

مواردی که حدیثی در دو کتاب یاد شده، دیده می‌شد، به کتاب احادیث مثنوی ارجاع داده می‌شد از این بابت که در آن کتاب، مآخذ اصلی احادیث قید گردیده بود، و اما احادیثی که در هیچ‌یک از کتب مذکور ثبت نشده بود، مشخصات همان کتابی که به اقتباس و تأثیرپذیری بیتی از حدیثی اشاره کرده بود، یادداشت می‌شد.

برای افزایش فایده رسانی، ترجمه تمام آیات از روی ترجمه قرآن فولادوند آمده است و درخصوص ترجمه احادیث نیز، برای یکنواخت کردن برگردان‌های مختلف از یک حدیث، ترجمه احادیثی که در کتاب احادیث مثنوی موجود بود، از کتاب «احادیث و قصص مثنوی» و ترجمه احادیث و اقوالی هم که در کتاب «فرهنگ مآثورات» بود، از آن‌جا نقل گردید. ترجمه احادیثی هم که در کتاب‌های فوق‌الذکر دیده نشد، در صورتی که در تعلیقات و شروح، ترجمه‌ای برای آن‌ها درج شده بود، از همان کتاب‌ها نوشته شد و معدودی از احادیث و اخبار هم که فاقد اعراب‌گذاری و ترجمه بود، اعراب‌گذاری و ترجمه گردید که در متن با علامت \* در ابتدای ترجمه مشخص شده که بی‌شک کاستی‌های این قسمت متوجه نگارنده می‌باشد. امید است که به مدد راهنمایی استادان ارجمند از آن‌ها پیراسته و اصلاح گردد.

بقیه آثاری هم که فاقد شرح و تعلیق و فهرست آیات و احادیث بودند، مطالعه و در حدّ توان هر بیتی که از چاشنی عرفانی بیشتری برخوردار بود، استخراج و یادداشت گردید.

بعد از اتمام فیش‌برداری، برگه‌های مربوط به آیات و مآثورات از هم جدا و طبقه‌بندی شد و پایان‌نامه در دو فصل - آیات و احادیث - تدوین گردید و در پایان دو نوع فهرست مرقوم شد:

**الف: فهرست آیات و احادیث؛** که بخش آیات، بر مبنای ترتیب شماره سوره‌ها و آیه‌ها و بخش احادیث و اخبار نیز بر اساس ترتیب الفبایی حروف اول آن‌ها تنظیم گردید. هر بخشی از فهرست‌ها عبارات آغازین هر آیه و حدیثی را دربردارد که با در دست داشتن آن می‌توان به سهولت کل آیه و حدیث مورد نظر را در جای اصلی خود در کتاب یافت.

**ب: فهرست منابع و مآخذ؛** در این قسمت مآخذ عمده‌ای که در گردآوری این مجموعه، به آن‌ها مستقیماً مراجعه شده، معرفی گردیده است که ترتیب آن‌ها بر مبنای الفبای فارسی است.

## شیوه تنظیم:

۱. فصل اول که شامل آیات است به ترتیب سوره و آیه تنظیم شده است و نحوه ارجاع به این ترتیب صورت گرفته است: ( نام سوره شماره سوره / شماره آیه )
۲. فصل دوم، شامل احادیث و اقوال است و بر اساس ترتیب الفبایی حروف اول آنها تنظیم گردیده است.
۳. در تنظیم ترتیب الفبایی، «ال» تعریف در اول واژه‌ها، منظور نگردیده است.
۴. پیش از آیات و احادیث، شماره‌ای برای تعیین شماره آیات و احادیث و تسهیل در ارجاعات ثبت شده است.
۵. در مواردی که احادیث و اقوال متصوفه از فرهنگ مآثورات و یا از دیگر کتبی که از گوینده آنها نام برده، نام قائل آن بعد از ترجمه بین ( ) درج گردیده است اما آنجا که از گوینده قول نامی به میان نیامده، بین ( ) چیزی نوشته نشده است.
۶. مآثورات فاقد ترجمه‌ای که تعداد آنها محدود است و ترجمه آنها به قلم راقم این سطور نوشته شده با علامت \* در آغاز ترجمه مشخص گردیده است.
۷. در بیان شواهد شعری ترتیب زمانی شعرا، لحاظ گردیده است.
۸. شواهد احادیث و اقوالی که دلالت بر یک مفهوم و آموزه عرفانی دارند، فقط ذیل یکی از آنها درج گردیده و بقیه برای شواهد، به آن مورد ارجاع داده‌اند که برای سهولت مراجعه قسمتی از عبارت آغازین مآثور داخل ( ) آورده شده است.
۹. شیوه خط در مواردی از شواهد شعری، با اصل منابع به جهت رعایت رسم خط جدید، مطابقت ندارد.
۱۰. در نوشتن نشانی شواهد شعری، به ذکر نام عنوان کتاب که گاهی با نام مؤلف همراه است و شماره صفحه اکتفا شده ولی در مواردی که نام مؤلف در عنوان کتاب قید نشده، بعد از نام کتاب، نام مؤلف نیز افزوده شده است. در کتاب‌هایی که شماره ابیات در آن درج گردیده به جای شماره صفحه شماره بیت ثبت شد و در مواردی هم که اثری چندین مجلد بود، بعد از نام کتاب، شماره جلد و بعد از ممیز شماره بیت نوشته شد (نام کتاب، شماره جلد / شماره

بیت)، همچنین در آوردن نشانی اثری که نسخه‌های متعدد از آن مورد مطالعه قرار گرفته بود ولی شواهد فقط به یکی از نسخه‌ها ارجاع شده بود، برای مشخص شدن نسخه مورد استناد بعد از نام کتاب و مؤلف، نام مصحح نیز افزوده شد و بعد شماره صفحه درج گردید. منابعی که در این تحقیق اساس کار بوده، شامل ۳۰ اثر شعری است که فاصله زمانی آغاز شعر فارسی تا جامی را دربر می‌گیرد.

- |                             |                                         |
|-----------------------------|-----------------------------------------|
| ۱. دیوان سنایی              | ۱۶. مختار نامه عطار                     |
| ۲. حدیقه سنایی              | ۱۷. دیوان افضل‌الدین کاشانی (بابا افضل) |
| ۳. مثنوی‌های حکیم سنایی     | ۱۸. دیوان عراقی                         |
| ۴. مخزن الاسرار نظامی       | ۱۹. مثنوی مولوی                         |
| ۵. خسرو و شیرین نظامی       | ۲۰. دیوان کبیر                          |
| ۶. لیلی و مجنون نظامی       | ۲۱. کلیات سعدی                          |
| ۷. هفت پیکر نظامی           | ۲۲. دیوان همام تبریزی                   |
| ۸. شرفنامه نظامی            | ۲۳. گلشن راز شبستری                     |
| ۹. اقبالنامه نظامی          | ۲۴. دیوان امیرخسرو دهلوی                |
| ۱۰. دیوان مجیرالدین بیلقانی | ۲۵. خمسه امیرخسرو دهلوی                 |
| ۱۱. دیوان عطار نیشابوری     | ۲۶. دیوان اوحدی مراغه‌ای                |
| ۱۲. منطق الطیر عطار         | ۲۷. دیوان اشعار خواجه‌ای کرمانی         |
| ۱۳. اسرار نامه عطار         | ۲۸. دیوان حافظ                          |
| ۱۴. الهی نامه عطار          | ۲۹. دیوان شاه نعمت الله ولی             |
| ۱۵. مصیبت نامه عطار         | ۳۰. مثنوی هفت اورنگ جامی                |

#### پیشینه تحقیق

تأثیر قرآن و حدیث در شعر فارسی از دیرباز مورد توجه ادیبان و محققان بوده است و دانش پژوهان و محققان بررسی‌های فراوانی در تأثیر و زمینه‌های بهره‌گیری از قرآن و احادیث در ابعاد و زمینه‌های مختلف انجام داده‌اند که خارج از موضوع بحث ماست.

آنچه در این نوشته منظور نظر است، نشان دادن میزان استفاده سخن‌سرایان از متون دینی برای بیان اندیشه‌های عرفانی در اعصار مختلف است. با عنایت به این که بهره‌گیری سخنوران فقط معطوف

به این محدوده نیست و آنان برای بیان مقصود خود، به قصدهای مختلف از این مضامین الهام گرفته‌اند، از این رو زمینه پژوهش و بررسی در ابعاد مختلف این بهره‌گیری، برای محققان فراهم آمده است و هر یک از منظرهای مختلف و متفاوت به بازتاب این مفاهیم در اشعار سخنوران نظرافکنده و به بررسی آن پرداخته‌اند. هرچند که زاویه دید آنان متفاوت با موضوع این نوشته است ولی شیوه بررسی آن‌ها، همسو و در راستای یکدیگر است.

در این جا به چند مورد از این گونه تألیفات اشاره می‌شود:

۱. پورنامداریان، تقی: *داستان پیامبران در کلیات شمس*؛ ایران/ تهران؛ مؤسسه مطالعات و

تحقیقات فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۹

۲. حیرت سجادی، سیدعبدالحمید: *گزیده‌ای از تأثیر قرآن بر نظم فارسی*؛ ایران/ تهران؛ امیرکبیر، چاپ

دوم، ۱۳۷۷

۳. خرّمشاهی، بهاء‌الدین - انصاری، مسعود: *پیام پیامبر*؛ ایران/ تهران؛ جامی، چاپ اول، ۱۳۷۶

۴. درگاهی، محمود: *آیات مثنوی*؛ ایران/ تهران؛ امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۷

۵. راستگو، سیدمحمد: *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*؛ ایران/ تهران؛ سمت، چاپ اول،

۱۳۷۶

۶. راشد محصل، محمدرضا: *پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی*؛ ایران/ مشهد؛ آستان

قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۰

۷. رسمی، سکینه: *نوای غیب در پرده راز*؛ ایران/ تهران؛ مرکز بازشناسی اسلام و ایران، چاپ

اول، ۱۳۸۰

۸. شهبازی، حسین: *گنج پنهان*؛ ایران/ تهران؛ دبیزش، چاپ اول، ۱۳۸۸

۹. صدری نیا، باقر: *فرهنگ مآثورات متون عرفانی*؛ ایران/ تهران؛ سروش، چاپ اول، ۱۳۸۰

۱۰. فروزانفر، بدیع‌الزمان: *احادیث مثنوی*؛ ایران/ تهران؛ امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۰

۱۱. \_\_\_\_\_: *احادیث و قصص مثنوی*؛ ترجمه و تنظیم: حسین داودی؛ ایران/

تهران؛ امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۷

۱۲. مؤذنی، علی محمد: *در قلمرو آفتاب*؛ ایران/ تهران؛ قدیانی، چاپ اول، ۱۳۷۲

## نشانه‌ها و علائم اختصاری:

\* (در مواردی که اعراب‌گذاری و ترجمه مأثور به قلم نگارنده بود، قبل از ترجمه این نشانه آمده است.)

/ فارق بین آیه و سوره و در آدرس شواهد شعری، بین شماره جلد و بیت

ج جلد

ص صفحه

صص صفحات

ر.ک رجوع کنید

ه هجری

م متوفی

ص صلی الله علیه و آله و سلم

ع علیه السلام

در پایان از راهنمایی‌های ارزنده استاد فاضل جناب آقای دکتر قلیزاده که با احاطه علمی خویش در این زمینه، بزرگوارانه راهنمایی آن را برعهده گرفتند و با رهنمودهای فاضلانه راه را بر من هموار ساختند و از زحمات و عنایات بی‌دریغ استاد عالی‌قدر جناب آقای دکتر مشتاق‌مهر در طول ایام تحصیل و نیز در گره‌گشایی از مشکلات این رساله که از مساعدت و مشاوره ایشان بهره‌مند بوده‌ام و از سایر استادان گرانقدری که در دوره تحصیلات دکتری افتخار تلمذ در حضورشان را داشته‌ام. همچنین از استاد فرزانه جناب آقای دکتر صدری‌نیا که دلسوزانه اینجانب را یاری رساندند، صمیمانه‌ترین سپاس و تشکرات قلبی و قدردانی خود را به یکایک ایشان نثار کرده، دوام سعادت و بقای سلامت و طول عمرشان را آرزو دارم.





## مقدمه

### به نام خداوند جان و خرد

شعر هر شاعر، آیینه‌ای است که شخصیت و منش او را باز می‌نماید، به عبارت دیگر مجموعه‌آمُوخته‌ها و دانسته‌های اوست که با عنصر خیال و عاطفه درهم می‌آمیزد و به صورت شعر نمود پیدا می‌کند و چون هیچ انسانی نیست که از وضع محیط و اجتماعی که در آن می‌زید متأثر نشود پس می‌توان گفت که هر سخنوری زاده‌روزگار و محیط زندگی خود است و به تبع آن ادبیات هر دورانی هم متأثر از محیط مادی و معنوی همان عصر است؛ از این رو برای شناخت میزان اثرپذیری سخنوران پارسی از قرآن و مآثورات در فاصله‌ی زمانی آغاز شعر فارسی تا جامی که دربرگیرنده‌ی چند دوره‌ی تاریخی-ادبی است؛ ناگزیر از نگاهی گذرا به وضع تاریخی و اجتماعی آن اعصار هستیم.

### بررسی اثرپذیری سخنوران از قرآن و حدیث در سیر تحوّل شعر فارسی:

زبان رسمی و ادبی ایران در دوره‌ی ساسانی، پهلوی بود ولی با حمله‌ی عرب و برافتادن دولت ساسانی، حکومت اسلامی تا اواخر قرن اوّل هجری بر ایران استیلا یافت و به رسمیت و عمومیت زبان پهلوی لطمه‌ای سخت خورد ولی حیات ادبی آن تا قسمتی از قرن سوم که کتابهای معتبری به خط و زبان پهلوی تألیف می‌شد، ادامه داشت ولی هم‌زمان و مقارن با آن نیز کتب پهلوی در مسائل مختلف به زبان عربی ترجمه می‌شد و هر روز که می‌گذشت رواج زبان دینی و سیاسی عربی به تدریج از رواج و انتشار زبان پهلوی می‌کاست تا آنجا که پس از چند قرن، زبان و خط پهلوی فراموش شد؛ ولی برخلاف سایر ملل مغلوب، زبان عربی در ایران رواج نیافت، بلکه لهجه‌های محلی

دیگر ایران بعد از آمیزش با زبان عربی آمادهٔ ایجاد ادبیات کامل و وسیعی گردید و این امر در اواسط قرن سوّم هجری صورت گرفت و در این دوره - مقارن با حکومت سلسلهٔ صفاریان و طاهریان - نخستین اشعار عروضی پارسی سروده شد و در اندک مدّت یعنی تا آغاز قرن چهارم چنان به سرعت طریق تکامل پیمود که در آغاز این قرن با شعر تازی برابری می‌کرد. از شعرای مشهور این دوره که نام آنها در تذکره‌ها آمده، جز آنچه در تذکره‌ها و کتب ادبی و فرهنگها ذکر شده، اشعار چندانی در دست نیست؛ به این سبب امکان پرداختن به اشعار این بخش از دورهٔ ادبی میسر نبود.

اما قرن چهارم بارآورترین عهد ادب فارسی و عصر ظهور گویندگان بزرگ و فصیح در نواحی شرقی ایران است که مقارن با حکومت سامانیان است که در بزرگداشت مراسم ملی و احیای سنن قدیم ایران و علی‌الخصوص در ترویج زبان پارسی کوشش بسیاری به کار می‌بردند. از این رو در سخن شعرای اوایل این قرن نام زردشت و اوستا و بزرجمهر و حکم وی بیشتر به چشم می‌خورد و چون موضوع و مضمون اشعار این دوره بیشتر بر محور مدح و ستایش و عشق زمینی و غزل می‌چرخد و این موضوعات با قرآن و حدیث کمتر پیوند دارد، لذا به این دلایل، اثرپذیری شعر این دوره از قرآن و حدیث، چندان گسترده نیست. ولی از اواخر قرن چهارم که فرهنگ اسلامی انتشار تمام می‌یابد و مدارس در نقاط مختلف تأسیس می‌شود و دیانت اسلام بر سایر ادیان غالب می‌آید، فرهنگ ایرانی به صبغهٔ اسلامی جلوه‌گری می‌کند و پایهٔ تعلیمات براساس ادبیات عربی و مبانی دین اسلام قرار می‌گیرد بالطبع توجه شعرا و نویسندگان به نقل الفاظ و مضامین آیه و حدیث فزونی می‌گیرد. چنانکه به حسب مقایسه، در سخن شعرای اوایل این قرن - شعرای عهد سامانی و اوایل غزنوی - کلمات و امثال و حکم پیشینیان در نظم و نثر بیشتر دیده می‌شود تا در اشعار سخنورانی که در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم می‌زیسته‌اند.

هر چند به جهت عدم حضور شاعران عارف و متصوّف در این دوره، اشعار آنان مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته ولی نگاهی گذرا به اشعار این عصر حاکی از اثرپذیری این سخنوران از متون دینی است که بیشتر بر روش حکما، در بیان حسن و قبح اخلاق و تحلیل فلسفی آنها مبتنی است. لذا برای نمایاندن سیر تأثر شعرا از الفاظ و مفاهیم آیات و احادیث، لازم است جلوه‌ای از این تجلّی را در پیش چشم داشته باشیم. از این رو ناگزیر از بیان نمونه‌هایی هر چند اندک از شعر سخنوران این دوره هستیم، که به نقل از کتاب تجلّی قرآن و حدیث در شعر فارسی بیان می‌شود.

«ایاتی چند از رودکی پدر شعر فارسی:

به سرای سپنج مهمان را      دل نهادن همیشگی نه رواست

زیر خاک اندرون ت باید خفت  
با کسان بودند چه سود کند  
گرچه اکنون خواب بر دیاست  
که به گور اندرون شدن تنهاست

(رودکی، به نقل از: پیشاهنگان شعر فارسی، ص ۲۶)

هم سمت و سو و هم تصویر با این سخن رسول (ص) «إِنَّ مَنْ فِي الدُّنْيَا ضَيْفٌ وَمَا فِي أَيْدِيهِمْ عَارِيَةٌ وَأَنَّ الضَّيْفَ مُرْتَحِلٌ وَالْعَارِيَةَ مَرْدُودَةٌ» (بحارالانوار؛ ۱۸۷/۷۷) هر که در دنیاست مهمان است و آنچه دارد عاریه است و مهمان رفتنی است و عاریه پس دادنی.

«سرای سپنج» نیز ترجمه گونه‌ای است از: «الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارَ مَقَرٌّ» (نهج البلاغه، شریف رضی، حکمت ۱۳۳، ص ۴۹۳) دنیا خانه گذار است نه خانه قرار.

زمانه پندی آزادوار داد مرا  
به روز نیک کسان گفت تا تو غم نخوری  
زمانه چون نگری سربه سر همه پند است  
بساکسا که به روز تو آرزومند است  
زمانه گفت مرا خشم خویش دار نگاه  
که را زبان نه به پند است پای در بند است

(رودکی، به نقل از: پیشاهنگان شعر فارسی، ص ۲۷)

بیت نخست الهام گرفته از روایاتی چون: «... وَ دَارٌ مُوعِظَةٌ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا» (نهج البلاغه، شریف رضی، حکمت ۱۳۱، ص ۴۹۳)، دنیا خانه پند است برای آنکه پندپذیر باشد، و: «خُذْ مُوعِظَتَكَ مِنَ الدَّهْرِ وَ أَهْلِهِ» (بحارالانوار؛ ۳۰۶/۷۸: حضرت کاظم ع) پند خویش را از زمانه و اهل آن بگیر، و: «إِنَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ مُوعِظَةً وَ عِبْرَةً لِذَوِي اللَّبِّ وَ الْاِعْتِبَارِ» (غررالحکم؛ ۵۰۷/۲) برای خردمند پندپذیر، در هر چیزی پندی است.

بیت دوم برگرفته از آیه «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ» (طه ۱۳۱/۲۰) چشم مدوز بدانچه به اصناف آنان داده‌ایم از زیباییها و نعمتهای دنیا تا آنان را بدان بیازماییم، و روایت «لَا تَنْظُرُوا إِلَىٰ مَنْ هُوَ فَوْقَكُمْ وَانظُرُوا إِلَىٰ مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَزْدَرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» (این روایت را ابوالفتح رازی در روض الجنان؛ ۱۹۸/۱۳ در تفسیر آیه یاد شده آورده) به آن که در نعمت بر شما فزونتر است منگرید، بدان بنگرید که از شما فروتر است، که این برای کوچک نشمردن نعمتهای خدا سزاوارتر و زمینه سازتر است.

بیت سوم برگرفته از روایاتی چون: «إِحْسَسْ لِسَانَكَ قَبْلَ أَنْ يُطِيلَ حَبْسَكَ...» (غررالحکم؛ ۲۲۳/۲)

زبان‌ت را بند کن پیش از آنکه تو را به بند و گرفتاری دراندازد، و: «لِسَانِكَ إِنِ أَمْسَكَتَهُ أَنْجَاكَ وَ  
 إِنِ أَطْلَقْتَهُ أَرْدَاكَ» (غررالحکم؛ ۱۲۵/۵) زبان‌ت را اگر بند کنی رهایت می‌کند و اگر رهایش کنی  
 گرفتارت می‌کند.

این جهان پاک خواب‌کردار است	آن شناسد که دلش بیدار است
نیکی او به جایگاه بد است	شادی او به جای تیمار است
چه نشینی به جای او هموار	که همه کار او نه هموار است
کنش او نه خوب و چهرش خوب	زشت‌کردار و خوب‌دیدار است

(رودکی، به نقل از: پیشاهنگان شعر فارسی، ص ۲۷)

بیت نخست الهام گرفته از روایاتی چون: «الدُّنْيَا كَحُلْمِ النَّائِمِ» (احادیث مثنوی؛ ص ۱۴۱) دنیا  
 چون رویاهای خفتگان است، و: «مَنْ عَرَفَ خِدَاعَ الدُّنْيَا لَمْ يَغْتَرَّ مِنْهَا بِمُحَالَاتِ الْأَخْلَامِ» (غررالحکم؛  
 ۴۰۲/۵) آنکه فریبکاری دنیا را شناخت، به رویاهای محال آن فریفته نمی‌شود...

چند شاهد شعری از ابوشکور بلخی:

بیاموز تا زنده‌ای روز و شب	چنین گفت دانا که بگشاد لب
نهاده ز بن خود چنین آمده است	که از مه به دانش‌گزین آمده است

(ابوشکور بلخی، به نقل از: اشعار پراکنده، ژیلبر لازار، ص ۱۱۰)

بیت نخست ترجمه‌واری است از این سخن رسول (ص) «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» ز گهواره  
 تا گور دانش بجوی.

بیت دوم هم سمت و سو با این سخن مولا(ع): «يُسْتَدَلُّ عَلَى فَضْلِكَ بِعِلْمِكَ» (غررالحکم؛

۴۵۲/۶) دانش تو را بر فضل تو گواه می‌آورند...

گشاده شود کار چون سخت بست	کدامین بلند است نابوده پست
از اندوه شادی دهد آسمان	فراخی ز تنگی بود بی گمان

(ابوشکور بلخی، به نقل از: اشعار پراکنده، ژیلبر لازار، ص ۱۱۱)

الهام گرفته از آیات و روایاتی چون: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشراح ۶/۹۴) همانکه هر سختی را  
 آسانی است؛ «أَضِيقُ مَا يَكُونُ الْحَرَجُ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْفَرَجُ» (غررالحکم؛ ۱/۱) امید‌گشایش‌آنگاه نزدیکتر  
 است که سختی به نهایت تنگی رسیده باشد؛ «عِنْدَ تَنَاهِي الشَّدَائِدِ يَكُونُ تَوَقُّعُ الْفَرَجِ» (غررالحکم؛  
 ۳۱۹/۴) امید‌گشایش‌آنگاه است که سختی به نهایت برسد.

سخن تا نگویی تو را زبردست	زبردست شد کز دهان تو جست
---------------------------	--------------------------